

آثار مکتوب، سهم بزرگی از میراث فاخر جامعه بشری را تشکیل می‌دهد و در این میان، قلم دانشمندان از چنان جایگاه ارزشمندی برخوردار است که خدای هستی‌آفرین، بدان قسم می‌خورد.

موضوع نوشتار حاضر، بررسی کتاب چهل حدیث از امیرمؤمنان علیه السلام است که با عنوان «از چشمه خورشید» در سال ۱۳۸۷ شمسی و توسط انتشارات کانون پژوهش اصفهان نشر یافته است. این اثر، یکی از مجموعه‌های حدیثی نوپدید، کم‌حجم و پربار در حوزه دین می‌باشد. اثر فوق، از محقق توانا حضرت آیت‌الله حاج شیخ هادی نجفی<sup>۱</sup> صاحب مجموعه ارزشمند و دوازده جلدی «موسوعة احادیث اهل البیت علیهم السلام»<sup>۲</sup> می‌باشد و ترجمه آن را نیز یکی از فضیلتی دانشمند، جوان و صاحب‌قلم حوزه علمیه اصفهان به نام آقای جویا جهانبخش بر عهده داشته و به خوبی از عهده این مهم، برآمده است.

دانشمندان بزرگ جهان اسلام، پیوسته کوشیده‌اند به نوعی ارادت خویش را نسبت به ساحت مقدس باب مدینه علم رسول خاتم ابراز دارند و یکی از جلوه‌های ویژه این ابراز ارادت، جمع‌آوری و شرح سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد که از آن جمله، آفرینش آثاری فاخر، چون «نهج البلاغه سیدرضی» و شروح فراوان آن، مانند «بهج الصباغه محقق شوشتری»، «غرر الحکم و دررالکلم آمدی»<sup>۳</sup> و شروح آن، از جمله «شرح غرر و درر آقا جمال خوانساری» و «مائة کلمة جاحظ» و شروح آن می‌باشد.<sup>۴</sup>

سیدرضی در سال ۳۵۹ هجری قمری چشم به جهان گشود و در سال ۴۰۴، چشم از جهان فرو بست و رخ در نقاب خاک کشید و با تألیف نهج البلاغه، جاودانه شد.

مرحوم دکتر سید جعفر شهیدی - که خالق یکی از فاخرترین ترجمه‌های ادبی نهج البلاغه است - در معرفی نهج البلاغه، تعابیر و عباراتی دارد

۱. ایشان از استادان درس خراج فقه و اصول حوزه علمیه اصفهان و از نوادگان علامه ذوفنون مرحوم آیت‌الله ابوالمجد شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی - از استادان امام راحل - می‌باشد.
۲. اثر حاضر، یکی از جوامع حدیثی معاصر است که تا کنون سه مرتبه در سال‌های ۲۰۰۳ م در ۱۲ جلد و ۲۰۰۷ میلادی در چهارده مجلد در بیروت لبنان و در سال ۲۰۰۸ در همان شهر در دوازده جلد به زیور طبع آراسته شده، مورد توجه اهل تحقیق می‌باشد. برای توضیح بیشتر درباره این اثر، نک به: مجله علوم حدیث، شماره ۲۵، مقاله محقق جلیل آیت‌الله سید محمدرضا حسینی جلالی و نیز سه سفرنامه هادی نجفی، کانون پژوهش، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹.
۳. مرحوم علامه حاج سید عبدالعزیز طباطبائی نجفی درباره آمدی و کتاب غرر الحکم و دررالکلم و نیز نسخه‌ها و متعلقات آن، به تفصیل بحث کرده‌اند رک به: المحقق الطباطبائی فی ذکراه السنویة الأولى: ج ۳، ص ۱۲۸۱ و ۱۲۸۵.
۴. برای اطلاع از شروح و ترجمه‌های کتاب مائة کلمة جاحظ، رک به: الذریعة: آقابزرگ تهرانی، بیروت، دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق. ج ۱۴، ص ۱۴، رقم ۱۶۴۷، ج ۱۹، ص ۲، رقم ۶ و ج ۲۴، ص ۲۱۵، رقم ۱۱۱۷ و ۱۱۱۸.

## نقد و بررسی کتاب

# جرعه‌ای از چشمه خورشید

## مروری کوتاه بر ترجمه کتاب چهل حدیث از امیرمؤمنان علیه السلام

مهدی باقری سیانی

چکیده: کتاب چهل حدیث از امیرمؤمنان با عنوان «از چشمه خورشید» یکی از مجموعه‌های حدیثی نوپدید، کم‌حجم و پربار در حوزه دین می‌باشد. این اثر در سال ۷۸۳۱ شمسی توسط آیت‌الله حاج شیخ هادی نجفی و انتشارات کانون پژوهش اصفهان نشر یافته است. نویسنده در مقاله حاضر به بررسی این کتاب می‌پردازد. تلاش نویسنده در مقاله حاضر این بوده است که ابتدا داستان آفرینش کتاب از چشمه خورشید را بیان نماید. آن‌گاه نگاهی کوتاه بر کتاب، محتوای آن و نحوه چینش احادیث آن داشته و سپس برخی از نقاط قوت و کاستی‌های آن را ذکر می‌کند. در انتها، مقایسه‌ای میان ترجمه حاضر و سه ترجمه دیگر از نهج البلاغه (ترجمه دکتر شهیدی، مرحوم آیتی و آقای دین پرور) انجام داده و با جملاتی درباره شیوایی سخنان حضرت امیرمؤمنان مستخرج از کتاب از چشمه خورشید، مقاله خود را به پایان رسانده است.

کلیدواژه: از چشمه خورشید، نهج البلاغه، حدیث، معرفی کتاب.

دومین چهل حدیثی است که تألیف و ترجمه این دو بزرگوار می باشد.<sup>۱۰</sup> استاد فرهیخته، بهاء الدین خرمشاهی در نوشتاری با عنوان «عادت دیرینه کتاب خواندن» درباره جناب آقای جهانبخش و کتاب «اندوخته خداوند»، بیان زیبایی دارد که در این جا، قسمتی از آن را با هم مرور می کنیم:

... در کنار همه کتاب هایی که در زمینه ترجمه و فن ترجمه برای تکمیل کتاب «ترجمه کاوی» مطالعه می کنم، چندی پیش کتابی به دستم رسید که به نظر خواندنش برای هریرانی مسلمانان واجب است. عنوان این اثر «اندوخته خداوند» است؛ کتابی درباره امام دوازدهم شیعیان که به بررسی چهل حدیث معتبر درباره مقام ایشان می پردازد. این کتاب، با ترجمه روان و شیوای «جویا جهانبخش» از سوی انتشارات حروفیه راهی بازار شده است و در نهایت کتابی که ماشایی است و نه خواندنی را به خوانندگان... پیشنهاد می کنم.<sup>۱۱</sup>

مترجم محترم، افزون بر ترجمه این دو اربعین حدیث، در پی تألیف، ترجمه و نشر مجموعه های حدیثی با عنوان «ساحت اربعینات» است که تا کنون توفیق نشر دو اربعین حدیث را یافته که یکی چهل حدیث منتخب از کتاب ارزشمند کافی محدث بزرگ، محمد بن یعقوب کلینی است و دیگری از کتاب من لایحضره الفقیه شیخ بزرگوار، صدوق.<sup>۱۲</sup>

قبل از معرفی و بررسی کتاب «از چشمه خورشید»، نگارنده در پی دارد که چگونگی آفرینش این ترجمه زیبا را از زبان مترجم ادیب و زبردست آن ذکر نکند.

مترجم، در یادداشت ترجمان «یا همان مقدمه مترجم، چنین می نویسد: درود و سلام خداوند بر بهترین فرستادگان و رحمت او بر عالمیان، محمد مصطفی، و بر برادر و وصی و جانشین او، امیرمؤمنان، علی مرتضی، و بر یازده پیشوای راستین، که زاد و رود ایشانند، ائمه هدی. در یکی از نشست های سوگ سالار شهیدان، حسین علی. که درود خداوند بر او و باب و مامش باد. در دهه نخست محرم بود، در حضور مؤلف ارجمند این چهل حدیث، که ایشان پیشنهاد ترجمه و نشر این منتخب نهج البلاغه را طرح فرمودند؛ و سپس نسخه اصلی آن را که دستنوشته ایشان (با دیباچه عربی) بود، به راقم سپاردند؛ نگارنده نیز، ترجمه متن احادیث و دیباچه و برافزودن پاره ای توضیحات لازم را پایبندان شد.

اینک که این سطور قلمی می شود، باز در آستانه محرم ایم... محرم و سوگ حسینی...؛ حسین علیه السلام که امضای سرخ بر تعالیم بنیادی نهج البلاغه نهاد.

۱۰. افزون بر این دو اثر، برخی از مجموعه های حدیثی دیگر نیز که از این مؤلف، بیشتر از این نشر یافته، عبارت است از: مجموعه دوازده جلدی «موسوعه احادیث اهل البیت، آلف حدیث فی المؤمن و کتاب ابلیس اللعین».

۱۱. روزنامه شرق، سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶۸ شماره ۱۴۴ دوره جدید چهارشنبه ۳۱/۶/۱۳۸۹، ص ۲۰.  
۱۲. این دو اثر، توسط نشر ساحت و به ترتیب - در سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۸ شمسی نشر یافته است.

که نگارنده، دریغ دارد آن را در این جا ذکر ننماید. وی درباره این کتاب چنین می نویسد: «... [نهج البلاغه] کتابی که طراز فصاحت است و پیرایه بلاغت، عربیت را بها فزاید و دین و دنیا را به کار آید، که بلاغتی چنان نه در گفتاری فراهم آمده است، و نه یکجا در کتابی هم... فصاحت، خود را به کلام حضرتش آراند تا به جمال رسد و بلاغت در کنار او زاید و به کمال رسد». پیش از سید رضی، ابو عثمان جاحظ<sup>۵</sup> که وی را امام ادب عربی شمرده اند. یکصد سخن از حکمت ها و جملات امیرمؤمنان علیه السلام را انتخاب نمود و آنها را «الکلمات المأتمه» نام نهاد.<sup>۶</sup> در این نوشتار کوتاه، بر آنیم ابتدا داستان آفرینش «از چشمه خورشید» و نیز ترجمه حاضر را به اختصار بیان نماییم و آن گاه نگاهی کوتاه بر کتاب و محتوای آن داشته، سپس برخی از نقاط قوت و کاستی آن را ذکر نموده، پس از این مراحل، مقایسه ای بین ترجمه حاضر و سه ترجمه دیگر از نهج البلاغه انجام دهیم و با جملاتی درباره سخنان حضرت امیرمؤمنان علیه السلام نوشتار حاضر را به پایان ببریم.

### داستان آفرینش «از چشمه خورشید»

«از چشمه خورشید» در شمار عرض ارادت از سوی مؤلف و مترجم، به ساحت مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است.

مؤلف محترم در مقدمه این اثر، انگیزه خویش را از گردآوری این مجموعه، چنین بیان می دارد: «چون شیوه سلف صالح از روزگاران پیش چنین بوده است که به تألیف کتاب های چهل حدیث پردازند و آنها را میان مردمان انتشار دهند، بر آن شدم چهل حدیثی از احادیث صحیحی که مانعی در آنها نیست، فراهم آورم... از سر ولایت تام و محبت و افر و اخلاص محضی که در حق سرور و پیشوایم، در شهر علم، امیرمؤمنان. که درود درودگویان بر او باد. داشتم، از خداوند طلب خیر کردم و آهنگ آن نمودم تا چهل حدیث از احادیث شریف آن حضرت را از کتاب ارجمند نهج البلاغه گرد آورم. به یاری خدای متعال بدین کار آغازیدم؛ چه بسا که وجود عزیز آن حضرت. که بر او درود باد. نیز در این کار خرد، مرا یاور گردد». نکته قابل ذکر در این مقام آنکه پیش از این اثر نیز چهل حدیثی دیگر از مؤلف با عنوان «أربعون حدیثاً فیمن یملاً الأرض قسطاً وعدلاً» نشر یافته که با ترجمه زیبا و توضیحات جناب آقای جهانبخش به اسم «اندوخته خداوند» منتشر شده است.<sup>۹</sup> اثر حاضر نیز

۵. رک به: نهج البلاغه؛ (ترجمه دکتر شهیدی؛ تهران، شرکت سهامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۳ ش) مقدمه.

۶. جاحظ، افزون بر یکصد سال قبل از ولادت سید رضی، چشم از جهان فرو بست.

۷. چاپ اخیر این اثر در سال جاری و با تحقیق آیت الله سید محمد رضا حسینی جلالی، توسط «دانشگاه العابدین لإحياء التراث» صورت گرفته است.

۸. قلم مترجم محترم در این مقدمه و نیز مقدمه کتاب، آن گونه زیبا و سحرانگیز است که خواننده تصور می کند ادیبی کهنسال و چیره دست. که جز پرداختن به ادبیات و کسب اطلاع از رموز آن پیشه ای دیگر ندارد. در مدت زمانی طولانی و با وسواسی خاص، تک تک واژه ها را جینش نموده، چنین ترجمه ای فاخر را آفریده است.

۹. این اثر در سال ۱۳۸۱ شمسی و توسط انتشارات حروفیه تهران، در یک مجلد شکل، به زیور طبع آراسته شد.

گروهی آن را از همه ساده ترمی پندارند. مترجم باید آنچنان سلطه ای به هردو زبان و محتوای متنی که می خواهند ترجمه کند، داشته باشد که معانی را به طور کامل از لباس الفاظ زبان اول عریان سازد، سپس لباس زبان دوم را به طور کامل بر آن بپوشاند؛ به گونه ای که احساس نشود این کلام ترجمه از زبان دیگری است و این کاری است بسیار دشوار و نیاز به ظرافت ها و ریزه کاری های فراوانی دارد...»<sup>۱۶</sup>

همان گونه که گذشت، مترجمی می تواند در امر ترجمه، موفق باشد که هم به زبان مبدأ مسلط باشد و هم به زبان مقصد و ریزه کاری ها و ظرافت های نهفته در هر دو زبان را بداند و یکی از این ظرافت ها، توجه به اشارات، کنایات و استعاراتی است که در هر زبانی وجود دارد و ترجمه کلمه به کلمه عبارات، گویای آن مطلب نخواهد بود؛ مگر اینکه مترجم، آن را یادآوری کند.

یک مورد از مواردی این چنین، برای نمونه ذکر می شود: مؤلف در حدیث پنجم که قسمتی از خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه و در توصیف پیامبر معظم اسلام ﷺ می باشد. این عبارت را نقل می کند: «... والله لقد رقت مدرعتی هذه حتى استحيت من واقعها؛ ولقد قال لي قائل الاتنبذها عنك؟ فقلت اغرب عني فعند الصباح يحمد القوم السرى»<sup>۱۷</sup>

مترجم نیز از آن این گونه ترجمه ای زیبا و ادبی به زبان فارسی به دست می دهد: «به خدا سوگند که این پشمینه جامه خویش را چندان وصله زدم که از وصله زن شرم کردم. خود کسی مرا گفت: بدورش نیفکنی؟ گفتم: از من دور شو کاروانیان با ممدادان بر شب روی ثنا خوانند»<sup>۱۸</sup>

و هم عبارت پایانی را - که یکی از ضرب المثل های زبان عربی است<sup>۱۹</sup> - در پاورقی چنین توضیح می دهد: «عبارت عند الصباح يحمد القوم السرى، که در متن آمده است - و ما ترجمه ای تقریباً مطابق از آن به دست دادیم - مثلی است، ناظر به حال و روزگار مردمانی که در عهد قدیم سفر می کردند و حرکت شبانه را به سبب خواب آلودگی و دشواری هایش ناخوش می داشتند، لیک چون سیر دشوار شبانه را بر خود هموار می کردند و با ممدادان (یا پیشتر) به منزل می رسیدند، آن گاه قدر و ارزش آن سیر پر صعوبت را بازمی شناختند و به ستایش آن زبان می گشودند»<sup>۲۰</sup>

نهج البلاغه و محرم، نام علی، نام حسین، آن اندازه معنا پرور و سخن خیز است که مجال اندک این قلم انداز را یارای درخویش گنجاندن آن نباشد. قلم، بیتاب است و صاحب قلم، بیتاب تر.<sup>۱۳</sup>

### آشنایی اجمالی با «از چشمه خورشید»

مرحوم دکتر سید جعفر شهیدی، درباره نهج البلاغه. مأخذ اصلی کتاب ما. چنین می نویسد:

«نهج البلاغه دایره المعارفی از فرهنگ اسلامی است: خداشناسی، جهان فرشتگان، پیدایش عالم، طبیعت انسان، امت ها و حکومت های نیکوکار و یا ستمباره...»<sup>۱۴</sup>

چینش احادیث و عناوین در کتاب «از چشمه خورشید»، زیبا و ابتکاری است؛ با توحید و قدرت حق تعالی و نبوت عامه و خاصه شروع می شود و با توصیه های اخلاقی و دعای به خویشان، پایان می پذیرد. در این میان نیز مباحثی چون قرآن، اسلام، حج، جهاد، قضا و قدر، دنیا و استغفار را در بر می گیرد.

عنوان برخی از احادیث منتخب این مجموعه، عبارت است از: امامت و امت و حقوق متقابلشان، روز ستاخیز، وصف مؤمن، آفرینش انسان، مردمان درد دنیا، زهد، دوستان خدا، دین شناس، پیکار و کارزار، فتنه، بیت المال، سفارش های پنج گانه و [سخن آن حضرت] در سرحرگاه آن روز که ضربت خورد.

از دیگر نکاتی که مؤلف این اثر بدان توجه داشته و دیگران را نیز متذکر نموده، این است که تمام احادیث این مجموعه از احادیث صحیح است که تردیدی در صحت آن نیست؛ البته باید توجه داشت منظور از حدیث صحیح در این جا، صحیح به اصطلاح عالمان علم رجال نیست، بلکه صحیح از حیث صدور است.<sup>۱۵</sup>

پس از آشنایی با نحوه چینش احادیث، لازم است درنگی نیز در ترجمه نمود.

### برخی از ویژگی های «از چشمه خورشید»

یکی از شخصیت های علمی معاصر. که خود صاحب آثار قلمی غنی و مفید بسیار است. درباره ترجمه متون، سخنی ارزشمند دارد که ذکر آن خالی از لطف نیست. وی در این مورد، چنین می گوید: «... ترجمه، یکی از مشکل ترین و پیچیده ترین فنون نویسندگی است؛ هر چند

۱۳. از چشمه خورشید؛ ص ۵.

۱۴. رک به: نهج البلاغه؛ ترجمه دکتر شهیدی؛ مقدمه.

۱۵. یادآوری این نکته لازم است که قسمت هایی از نهج البلاغه. مانند عهد مالک اشتر. از نظر سندی، صحیح به اصطلاح علم رجال نیز می باشد و عالمان بزرگ شیعه، همانند شیخ طوسی در الفهرست ص ۸۸، رقم ۱۱۹، تحقیق مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی و شیخ نجاشی در رجال (ص ۸، رقم ۵، تحقیق آیه الله شبیری زنجانی) آن را به سند صحیح نقل نموده اند. رک به: شیخ محمد تقی رازی نجفی اصفهانی؛ رساله صلاحیه؛ تحقیق مهدی باقری سیانی؛ قم، ذوی القربی، ۱۳۸۴، ش، ص ۳۹۸، پاورقی شماره ۳.

۱۶. رک به: قرآن مجید؛ ترجمه آیت الله مکارم شیرازی؛ تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳، ش، قسمت «سخنی پیرامون این ترجمه».

۱۷. از چشمه خورشید؛ ص ۲۳-۲۲.

۱۸. همان، ص ۲۵.

۱۹. ابن ابی الحدید معتزلی، ذیل این ترجمه، چنین می نویسد: «... مثل يضرب لمحمتم المشقة العاجلة رجاء الراحة الآجلة». رک به: شرح نهج البلاغه؛ ج ۹، قم: کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی، ص ۲۳۴.

۲۰. از چشمه خورشید؛ ص ۲۵.

سنگین می‌شود که درک ترجمه به مراتب سخت‌تر از فهم متن. برای فارسی‌زبانی که اندک آشنایی با زبان عربی دارد. است؛ اینک نمونه‌ای از این دست: «... فبعثت فیهم رسله، وواتر الیهم أنبیاءه، لیستادوهم میثاق فطرته ویذکروهم منسی نعمته ویحتجوا علیهم بالتبلیغ ویثیروا لهم دفائن العقول... ولم یخل الله سبحانه خلقه من نبی مرسل... رسل لا تقصیر بهم قلة عددهم ولا کثرة المکذبین من سابق سمي له من بعده، أو غاب عرفه من قبله...»<sup>۲۹</sup>... پس [خداوند] فرستادگان خویش را در میانشان برانگیخت و پیامبران را یکی از پس دیگری به سویشان روان داشت تا گزارد پیمان فطرت الهی را از مردمان درخواهند و نواخت فراموش گشته‌ی خدای را فریادشان آرند و به رسانیدن پیام برایشان حجت گیرند و نهان‌کرده‌های خردهاشان را برانگیزد... هیچ‌گاه نبود که خدای سبحان آفریدگانش را بی‌پیامبری گسیل داشته باشد... پیوسته پیامبرانی بودند که نه اندک بود شمارشان، و نه بسیاری کسانی که به دروغ می‌داشتندشان، به ستوهشان نمی‌آورد. چه آن پیشین که پسینی‌اش را از برای او نام برده بودند، و چه آن پسین که پیشینی‌اش را بدو شناسانیده بودند.<sup>۳۰</sup>

### ب) توضیح واژگان زبان فارسی

از دیگر مواردی که اگر انجام می‌شد، ترجمه، شایسته‌تر می‌گشت، توضیح برخی واژگان است که اگرچه برزبایی ترجمه افزوده، ولی درک آن برای خواننده، قدری تأمل برانگیز و نیازمند مراجعه به کتاب‌های لغت است. نمونه‌ای چند، از این دست را با تعیین جایگاه آن در ترجمه، با هم مرور می‌کنیم:

- «مسابقت جای» و «مسابقت جویان» در جمله «... پس اسلام، روشن‌ترین راه است... مسابقت جای آن فراخ، آماج آن فرازند؛ مسابقت جویان را فراهم آرد».<sup>۳۱</sup>
- «پذیره» در جمله «... در مشقتی که پذیره شدید و در آن سختی که پشت سرنه‌اید، عبرتی است».<sup>۳۲</sup>
- «خستونی» در جمله «... و خدای سبحان آن را نشانه‌ای نهاد برای فروتنی ایشان در برابر عظمتش و خستونی‌شان به عزتش».<sup>۳۳</sup>
- «آهیختن» در جمله «و پیش از آهیختن، تیغ‌ها را در نیام‌هاشان بجنابانید».<sup>۳۴</sup>
- «دروا» در جمله «... چه آنان امت‌هاشان را دروا، بی‌راهی آشکار، و بی‌نشانی استوار، وانه‌اند».<sup>۳۵</sup>

### ب) ارجاع به دیگر شروح نهج البلاغه

از دیگر نقاط قوت اثر حاضر، ارجاع به سایر شروح نهج البلاغه است؛ برای نمونه: «... تفصیل را نگر: بهج الصباغة، التستری...»<sup>۳۱</sup> یا «تفصیل را، نگر: مصادر نهج البلاغة واسانیده...»<sup>۳۲</sup> یا «... نگر شرح نهج البلاغة، الموسوی...»<sup>۳۳</sup> و یا «... نگر: توضیح نهج البلاغة، الحسینی الشیرازی...»<sup>۳۴</sup>.

### ج) معادل‌یابی برای ضرب‌المثل‌های عربی

معادل‌یابی در زبان فارسی برای ضرب‌المثل‌های عربی، یکی از نقاط قوت اثر حاضر است؛ برای نمونه به این گزاره توجه کنید: «... فستدارت رحاهم واستقامت قناتهم».<sup>۳۵</sup> در متن و پاورقی، این دو جمله - به ترتیب - اینچنین ترجمه و توضیح داده شده است: «... کارشان روان شد و آسیاشان گردان»؛ «هم استداره‌ی رحی و هم استقامت قنات، تعابیری کنایی‌اند مناسب ادب عرب و از این رو معابیر کنایی مناسب ادب پارسی را جایگزین آنها کردیم».<sup>۳۶</sup>

### د) توضیحات افزوده بر متن در پاورقی

توضیحات افزوده بر متن - که در پاورقی ذکر شده - اثر حاضر را غنی‌تر و پربارتر ساخته و مددکار خواننده در فهم مقصود گشته است؛ از این رو به درک صحیح متن، بسیار کمک کرده است؛ چند نمونه از این دست را - به ترتیب متن و پاورقی - با هم مرور می‌کنیم:

«و خدای سبحان از فرزندان او [= آدم عليه السلام] پیامبرانی برگزید و از آنان بروحی پیمان گرفت و بر تبلیغ رسالت امانت ستاند»؛ «معنای امانت ستاندن، آن است که در برابر چیز نفیسی که به دست کسی سپارده شود، امانتی ستانده‌آید. پنداری خداوند رسالت را داد و امانت گرفت. اگر پیامبران رسالت می‌گزارند، امانت به ایشان بازگردانده می‌شد و مردمانی صاحب امانت به شمار می‌رفتند و اگر نه امانت بدیشان بازگردانده نمی‌شد و آنان فاقد امانت می‌بودند. این تعبیر از تعابیر آرایه‌گونه‌ای است که امانت‌داری بی‌امانت بودن شخص در آن بدین سان بیان شده است...»<sup>۳۸</sup>

### برخی از بایسته‌های ترجمه

#### الف) راحت‌فهمی ترجمه

با تمام آنچه گفته شد، در برخی موارد، ترجمه، آنچنان ادبی و

۲۹. همان، ص ۱۵.  
 ۳۰. همان، ص ۱۷، ۱۶.  
 ۳۱. همان، ص ۴۱.  
 ۳۲. همان، ص ۵۹. نکته دیگر اینکه کلمه «شدید» در «پذیره شدید» به فتح شین است که مصدر آن شدن باشد یا به فتح است که معنای شدت را برساند و دیگر اینکه آیا «پذیره» است یا «پذیره».  
 ۳۳. همان، ص ۷۵. جالب اینکه «خستونی» ترجمه «اذعان» است و درک این واژه، برای فارسی‌زبان، سهل‌تر از واژه «خستونی» است.  
 ۳۴. همان، ص ۸۱.  
 ۳۵. همان، ص ۱۸.

۲۱. همان، ص ۴۹.  
 ۲۲. همان، ص ۳۰.  
 ۲۳. همان، ص ۶۵.  
 ۲۴. همان.  
 ۲۵. همان، ص ۱۹.  
 ۲۶. همان، ص ۲۰.  
 ۲۷. در کتاب «به شما» به جای «به شما» است و واضح است که خطای در ترجمه نیست، بلکه خطا از جهت حروف چینی است.  
 ۲۸. از چشمه خورشید؛ ص ۱۶.

ابتدا خطبه ۱۲۶ نهج البلاغه را با عنوانی که سید رضی برای آن انتخاب نموده، می آوریم و سپس ترجمه آن را از کتاب «از چشمه خورشید» ذکر می کنیم و پس از این دو، به ترتیب، ترجمه دکتر شهیدی، مرحوم آیتی و آقای دین پرور را می آوریم و مقایسه این چهار ترجمه را به خواننده فهیم این نوشتار وامی نهیم.

### خطبه ۱۲۶ نهج البلاغه

«ومن کلام له ﷺ لما عوتب علی التسویه فی العطاء أنا مؤرني أن أطلب النصر بالجور فيمن وليت عليه والله لأطو به ما سمر سمير، وما أم نجم في السماء نجماً لو كان المال لي لسويت بينهم، فكيف وإنما المال مال الله لهم. إلا وأن أعطاء الما في غير حقه تبيروا سراف، وهو يرفع صاحبه في الدنيا ويضعه في الآخرة، ويكرمه في الناس ويهينه عند الله، لم يضع امرؤ ماله في غير حقه وعند غير اهله إلا حرمه الله شكرهم وكان لغيره ود لهم، فان زلت به النعل يوماً فاحتاج إلى معونتهم فشر خليل والام خدين...»<sup>۴۸</sup>.

### ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی

تردیدی نیست که یکی از زیباترین ترجمه های ادبی نهج البلاغه متعلق به مرحوم دکتر سید جعفر شهیدی است. وی درباره ترجمه خود بر نهج البلاغه چنین می نویسد: «تفاوت یا مزیت این ترجمه با سایر ترجمه های نهج البلاغه، علاوه بر صحت و امانت و اتقان و تطبیق یکایک واژگان عربی با فارسی، در مراعات ویژگی ادبی این اثر جاودانی، یعنی به کاربرد صنایع لفظی و آرایش های ادبی از استعاره و تشبیه و جناس و موازنه و مراعات نظیر و به ویژه سجع است که در برگردان فارسی تا آنجا که ممکن بوده، مورد توجه قرار گرفته؛ اما با این همه، معنی، فدای آرایش لفظ نشده است»<sup>۴۹</sup>.

«چون بر او خرده گرفتند که چرا بیت المال را مساوی بخشیده است [حضرت خطبه ای ایراد نمود و فرمود: مرا فرمان می دهید تا پیروزی را جویم به ستم کردن درباره آن که والی اویم؟ به خدا که، نپذیرم تا جهان سرآید، و ستاره ای در آسمان پی ستاره ای برآید. اگر مال از آن من بود، همگان را برابر می داشتم. که چنین تقسیم سزا است. تا چه رسد که مال، مال خدا است. بدانید که بخشیدن مال به کسی که مستحق آن نیست، با تذبذیر، و اسراف یکی است. قدر بخشنده را در دنیا بالا برد و در آخرت فرود آرد، او را در دیده مردمان گرمی کند، و نزد خدا خوار گرداند. هیچ کس مال خود را آنجا که نباید نداد، و به نامستحق نبخشود، جز آنکه خدا او را از سپاس آنان محروم فرمود، و دوستی شان از آن دیگری بود. پس اگر روزی پای اولغزید، و به یاری آنان نیازمند گردید، در دیده ایشان بدترین یار است و لئیم ترین دوستدار»<sup>۵۰</sup>.

■ «برآغالانیده» در جمله «... شما را به توشه راه نموده اند، و به کوچیدن فرمان داده، و به راه سپاردن برآغالانیده»<sup>۳۶</sup>.

البته یادآوری این مطلب ضروری است که مترجم محترم خود در «یادداشت ترجمان» متذکر این نکته شده، چنین می نویسد: «نهج البلاغه زبانی بلند و استوار و بشکوه و دلپسند دارد که ترجمه آن به پارسی قلم ترجمان را به بهره وری از گنجینه گرانبار ادب نیاکانی می گرایاند و از این همین روی، خواننده ارجمند اگر در این ترجمه به واژگان دیرپاب و نامأنوس باز خورد، بر این صاحب قلم خواهد بخشود»<sup>۳۷</sup>. همو، در برخی موارد، به ترجمه کلماتی که به عنوان واژگان آهنگین و معادل انتخاب کرده، پرداخته است؛ برای نمونه واژه «پادافراه» را به عنوان معادل «العقوبة» برگزیده و در پارو قی، چنین توضیح داده است: «پادافراه: عقوبت، مجازات»<sup>۳۸</sup>.

### ج: پرهیز از افراط و تفریط در اعراب گذاری کلمات فارسی

اگرچه اعراب گذاری کلمات فارسی، در برخی موارد، امری ارزشمند است، افراط و تفریط در این باره نیز شایسته نیست. برخی از این واژگان را به هم، مرور می کنیم: ابتدا کلماتی که اعراب گذاری شده اند. و حال آنکه ضرورتی برای آن احساس نمی شود. و سپس موارد عکس آن:

■ «دلپسند»، «بازگرد»، «درگذرد»، «نبوی»، «سرور»،<sup>۳۹</sup> «سرمنزل»<sup>۴۰</sup> و «نبوتی»<sup>۴۱</sup> «سترگ»،<sup>۴۲</sup> «زدایش»،<sup>۴۳</sup> «قطران»،<sup>۴۴</sup> «شدید»<sup>۴۵</sup>.

### د) بیان رموز تألیف و ترجمه

برخی از رموزی که مترجم برای خود برگزیده، برای خواننده ناآشنا و یا دیر آشنا است؛ مانند «سنج» در دو مورد زیر: «سنج: فی ظلال نهج البلاغه» محمد جواد مغنیه، ۴۰۹/۱ «و یا «سنج: شرح نهج البلاغه» ابن میثم البحرانی، ۴۵۱/۵»<sup>۴۷</sup>.

### مقایسه ای بین این اثر و سه ترجمه دیگر

شاید قبل از پایان بخشیدن به این نوشتار، مقایسه ای بین این ترجمه و ترجمه دکتر شهیدی، خالی از لطف نباشد.

۳۶. همان، ص ۴۶.

۳۷. همان، ص ۶.

۳۸. همان، ص ۲۴.

۳۹. همان، ص ۸۷.

۴۰. همان، ص ۲۰. قسمتی از جملات کتاب این چنین است: «... تا بدان جا که سرمنزل نجات را بدیشان نمایاند».

۴۱. همان، ص ۱۹.

۴۲. همان، ص ۱۴.

۴۳. همان، ص ۲۸. قسمتی از این جمله، چنین است: «به ما هدایت خواهند و زدایش کوردلی جویند».

۴۴. همان، ص ۳۹.

۴۵. همان، ص ۵۹. قسمتی از عبارت، چنین است: «... در مشقتی که پذیرد شدید و در آن سختی که پشت سر نهادید، عبرتی است».

۴۶. همان، ص ۵۵.

۴۷. همان، ص ۶۷.

۴۸. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۲۶.

۴۹. نهج البلاغه؛ ترجمه دکتر شهیدی؛ مقدمه با اندکی تصرف.

۵۰. همان، ص ۱۲۴.



اینکه خداوند او را از سپاسگزاری شان محروم نمود و دوستداری شان از برای جزا بود. پس اگر روزی پایش لغزید و نیازمند یاری شان شد، بدترین دوست و فرومایه ترین رفیق باشند.<sup>۵۳</sup> می توان گفت جنبه های فصاحت، بلاغت و زیبایی های گفتاری، در این ترجمه و ترجمه مرحوم دکتر شهیدی، سخت مورد توجه قرار گرفته است.

### ... و اما سخن پایانی

برای پایان بخشیدن به این نوشتار و معرفی نهج البلاغه و کتاب «از چشمه خورشید»، گفتار و نوشتاری زیباتر از دست نوشته وزین و کم نظیر مترجم این اثر نیافتم و در معرفی این دو، چنین می نویسد: «گفتار امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را، از غایت شیوایی و رسایی و نغزی و پرمغزی، فراتر از کلام مخلوق و فراتر از کلام خالق دانسته اند.

نهج البلاغه شریف، برگزیده ای است از گفتارهایی که از آن امیر بی رقیب عرصه علم و عمل روایت شده بود، و این دفتر، چهل بهره منتخب از آن کتاب عزیز و ارجمند که با گزارش پارسی همراه گردیده.

یکی از اندیشه گران مسیحی گفته است: «تعجب می کنم از جامعه ای که هم نهج البلاغه در آن باشد و هم بیداد».

... آری اگر حال ما چنین است که هست، از آن روست که از آموزه های مصطفوی و مرتضوی به دور افتاده ایم.

ای پسر ما بی نشانییم از علی  
«عین» و «لام» و «یا» بدانیم از «علی».<sup>۵۴</sup>

### ترجمه مرحوم عبدالمحمد آیتی

«سخنی از آن حضرت علیه السلام هنگامی که او را مورد عتاب قرار دادند که چرا عطایا را به تساوی تقسیم می کند. آیا مرا فرمان می دهید که پیروزی را طلب کنم، به ستم کردن بر کسی که زمامدار او شده ام؟ به خدا سوگند، چنین نکنم تا شب و روز از پی هم می آیند و در آسمان ستاره ای از پس ستاره دیگر طلوع می کند. اگر این مال از آن من می بود، باز هم آن را به تساوی به میانشان تقسیم می کردم. پس چگونه چنین نکنم، در حالی که، مال از آن خداوند است. سپس، فرمود: بخشیدن مال به کسی که حق او نباشد، خود گونه ای تذبذب و اسراف است که بخشنده را در این جهان برمی افرازد و در آن دنیا پست می سازد. در میان مردم مکرمش می دارد و در نزد خدا خوار می گرداند. هر کس دارای خود را بیجا صرف کند و به ناهلش ببخشد، خداوند از سپاسگزاری آنها محرومش گرداند. آنان به جای او، دیگری را به دوستی خواهند گرفت و اگر روزی او را حادثه ای پیش آید و به یاری شان نیاز افتد، آنها را بدترین یاران و سرزنش کننده ترین کسان خود خواهد یافت».<sup>۵۱</sup>

### ترجمه آقای جمال الدین دین پرو

«آیا فرمانم می دهید که یاری را با ستم راندن بر مردم طلب کنم؟! به خدا سوگند، تا شب و روز برجاست و تا آن گاه که در آسمان ستاره ای بریاست، هرگز چنین نکنم و اگر اموال، مال خودم هم بود یکسان می بخشیدم تا چه رسد به آنکه مال، مال خداست. سپس فرمود: هان! قطعاً بیجا بخشیدن زیاد روی و اسراف است و چنین بخشنده ای در دنیا مشهور و صاحب نام و آوازه، ولی در آخرت بدبخت و زبردست خواهد بود. مردم او را احترام کنند، اما نزد خدا خوار و بی مقدار خواهد بود. آدمی اگر مال خود را بیجا مصرف کند و به ناهلان دهد، خداوند از سپاس همان ها هم محرومش گرداند و آنان دوست دیگری را برگزینند. تازه اگر روزی ورق برگردد و به کمکشان روی نیاز آورد، براستی که بدترین و سرزنش کننده ترین دوست خواهند بود».<sup>۵۲</sup>

### ترجمه آقای جويا جهانبخش

«آیا مرا فرمان می دهید که با ستم راندن در حق کسانی که برایشان فرمانروایی یافته ام، به طلب پیروزی برآیم؟! به خدا سوگند چندان که جهان بپاید و ستاره ای در آسمان در پی ستاره دیگر برآید، گرد این کار نگردم! اگر این مال از آن من بود، همگان را بهره مندی برابر می داشتم؛ تا چه رسد بدین که مال، مال خداست! هان! دادن مال به نایجا تذبذب و اسراف است، و این کار دهنده را در این جهان بفرزند و در آن جهان فرود آرد و در میان مردمانش گرمی کند و نزد خدایش خوار گرداند؛ و هیچ کس مال خود را نایجا مصروف نداشت و به ناسزایان نداد، مگر

۵۱. نهج البلاغه؛ ترجمه عبدالمحمد آیتی؛ (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی و بنیاد نهج البلاغه، چاپ چهارم، ۱۳۷۸ ش)، ص ۲۹۱.

۵۲. نهج البلاغه؛ ترجمه جمال الدین دین پرو؛ تهران، دفتر بنیاد نهج البلاغه، ص ۱۷۹. عنوانی که در ترجمه حاضر، برای این خطبه انتخاب شده است، «کیفر اسراف» می باشد.

۵۳. از چشمه خورشید؛ ص ۸۸-۸۹.

۵۴. از چشمه خورشید؛ پشت جلد کتاب.